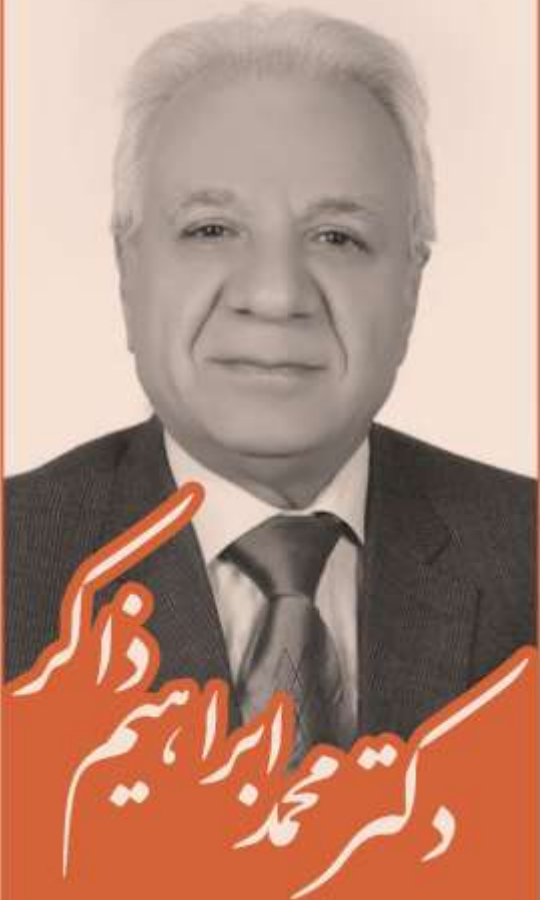


ویژگی‌هایی از زندگی شخصی آقابزرگ تهرانی، نیای پرتلاشم

سخنرانی به مناسبت نشست بزرگداشت ۱۵۲امین سالگرد درگذشت آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی، موسسه پژوهشی میراث مکتوب، وینار، یکشنبه یکم اسفندماه ۱۴۰۰

محمدابراهیم ذاکر

دندان‌پزشک و پژوهشگر تاریخ پزشکی



۱..... روزانه زندگی آقابزرگ تهرانی

۱..... بخش‌های بازگوشده از زندگی صاحب‌الذریعة.....

۱..... ویژگی‌هایی از زندگی شخصی آقابزرگ تهرانی، نیای پرتلاشم.....

۱..... چکیده‌ای از زادن تا بالیدن و درگذشتن.....

۲..... آقابزرگ، ذریعه و طبقات.....

۳..... منابع ذریعه.....

۴..... یک روز کاری شیخ.....

۴..... سامرا.....

۵..... نجف.....

۷..... برنامه کاری هر روزه.....

۸..... کتاب‌نامه.....

۸..... نمایه کتاب و مقاله.....

ذکر
دکتر محمد ابراهیم

بخش‌های بازگونشده از زندگی صاحب‌الذریعة

ویژگی‌هایی از زندگی شخصی آقابزرگ تهرانی،
نیای پرتلاشم

روزانه زندگی آقابزرگ تهرانی

۱

روزانه زندگی آقابزرگ تهرانی

سخنرانی به مناسبت نشست بزرگداشت ۵۲امین سالگرد درگذشت آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی، موسسه پژوهشی میراث مکتوب، وینار، یکشنبه یکم اسفندماه ۱۴۰۰
محمدابراهیم ذاکر
دندان‌پزشک و پژوهشگر تاریخ پزشکی

بخش‌های بازگونشده از زندگی صاحب‌الذریعة

ویژگی‌هایی از زندگی شخصی آقابزرگ تهرانی، نیای پرتلاشم

چکیده‌ای از زادن تا بالیدن و درگذشتن

زنده‌یاد آقابزرگ تهرانی منزوی، محمدمحسن فرزند حاج علی بازرگان و نویسنده کتابی درباره تحریم تنباکو قرارداد رژی و تالیوت نوشت. نیایش محمدرضا بازرگان و نویسنده کتاب بر علیه استعمار انگلیس و یادکردی از مبارزان جنوب بر علیه استعمار و محمدمحسن که آقابزرگ سمی اوست شریک معتمدالدوله منوچهرخان حاکم گیلان در امور بازرگانی و بنیاد نخستین چاپخانه در ایران بود. وی وصی ایشان به سال ۱۲۴۶ بود.
وی شب پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۳ [پنجشنبه ۱۸ فروردین ۱۲۵۵/ششم آپریل ۱۸۷۶] در سه دانگه نزدیک پامنار چشم به جهان گشود.

در پامنار تهران زاده شد، بالید، ۱۳۱۳ ق هنگام ترور ناصرالدین شاه در حال رفتن به عراق بود که در کرمانشاه خبر آن را شنید و پس از سه ماه به ایران بازگشت و بیمار شد، پس بهبودی ۱۳۱۵ ق دوباره به همراه برادر محمدابراهیم برای زیستن همیشگی و دانش‌اندوزی راهی نجف شد و تا ۱۳۵۰ ق ایران نیامد. او از سال ۱۳۲۹ خ با درگذشت پدر معنوی مشروطه‌خواهان

ذاکر
دکتر محمدابراهیم

در نجف و ایران و بی‌پشت و پناه‌شدنشان ناگزیر شد از نجف راهی سامراء بشود و این در حالی بود که ایشان به همراه دو یار اندیشمند هم‌پیمان شده بودند تا پاسخ یاوه‌گویی‌های جرجی زیدان را بدهند. وی در کتاب تاریخ آداب اللغة العربية به سال ۱۹۱۱ شیعه را فرقه‌ای کوچک به شمار آورده که هیچ نقشی در روند پیشرفتی فرهنگ و تمدن اسلامی نداشته، ابتر زابیده شدند و بی‌هیچ اثر علمی و فناوری کوچک و کوچکتر شدند و آن‌ها در حال انقراض و اضمحلال به شمار آورد.

یکی از این سه یار هم‌پیمان حسن صدر (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ق) که کتاب تأسیس الشيعة الكرام لعلوم الإسلام و چکیده‌اش کتاب الشيعة و فنون الإسلام را نگاشت. علمی را شیعه بنیان‌گزارش بودند به گستردگی بازگو کرد که آقابزرگ بر چاپ نخستین آن نیز نظارتی مستقیم داشت.

دیگری: شیخ محمدحسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴ - ۱۳۷۳ق) بود که اقدام به غلط‌گیری ادبی، دستور زبانی و تاریخ ادبیاتی از او کرد و کتاب المراجعات الريحانية یا النقود و الردود را به سال ۱۳۳۱ق نوشت.

یار سوم: آقابزرگ (۱۳۹۳ - ۱۳۸۹ق) بود که دست به کار بسیار بزرگ و گسترده زد. او همه کتاب‌های نوشته شده به دست شیعیان را که بیش از ۹۵٪ ایشان ایرانی و ایرانی‌تبار هستند از آغاز هجرت تا نیمه نخست سده ۱۴ با نزدیک به شصت‌هزار شناسه عنوان کتاب زبان‌ها فارسی، عربی، ترکی و اردو در ۲۶ جلد و ۲۹ مجلد که یک جلد آن مستدرکات است و افزون بر آن نویسندگان بزرگ و تأثیرگذاران در هر علم و فناوری را در در دائرة المعارف دیگری با نام طبقات أعلام الشيعة از سده چهارم تا چهاردهم در بیش از ۲۴ جلد و هر جلد ویژه یک سده با نام ویژه آن به نگارش درآورد. کاری عظیم و بسیار گسترده و زمان‌بر که تنها او می‌توانست با کمبود اطلاعات آن روزگار این کار را بنگارش در آورد و فرزندان توامندش، به ویژه زنده‌یاد علی‌نقی منزوی و استاد احمد منزوی آن‌ها را به سرانجام رسانند و در دسنرس پژوهندگان بگذارند.

آقابزرگ، ذریعه و طبقات

آقابزرگ بیش از شش دهه از عمر خود را هزینه پرداختن به این دو دائرة المعارف کرد. زندگی روزمره ایشان کار پیوسته و ممتد بود. با این که شیخ تقدس ویژه‌ای داشت، اگر بیم و هراس از تکفیر نبود، هرگز از خانه بیرون نمی‌آمد و امامان معصوم ما از نیامدنش به زیارت فیزیکی و ماندنش در خانه و خدمت به تاریخ این بزرگان رضایت بیشتر داشتند، ولی این نبود و آن را در پایان بازگو خواهیم کرد.

روش او در گردآوری و نگارش عنوان هر شناسه به سبک کهن بود و از روش نوین فیش‌نویسی بهره نبرد. وی دفتری پانصد برگه را به ترتیب الفب با تقسیم‌بندی سهمی هر حرف بخش‌بندی می‌کرد و یافته‌ها خود را بر همان پایه در جایگاه ویژه خودش می‌گذاشت. این مجلد در حال پُرشدن بود که در یک سفر آبی از کاظمین به بغداد، قایق ایشان واژگون شد و بسیاری از برگ‌ها را اب برد و بخشی رنگ جوهر نوشته‌ها در هم آمیخت. از سوی دیگر با افزایش یافته‌ها و بیشترشدن شناسه عنوان کتاب‌ها، پی بردند که باید شش جلد دفتر پانصد برگه را برگزیند و با مهارت کسب کرده در این چند سال اقدام به تقسیم‌بندی واقعی‌تر برگه‌های این شش مجلد در میان ۲۸ حرف کردند. ایشان در این جا عنوان هر شناسه را با شنگرف در آغاز سطر می‌آورد و به دنبالش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی هر شناسه را با خامه نسخ خوشی می‌نوشت. بسیاری از برگه‌های این شش مجلد، خط‌خوردگی ندارند و این به جهت تسلط ایشان بر مطلب و گستردگی دانش ادبیات عرب در ایشان بود. هم‌چنین افزوده‌های سال‌های پسین هر نوشته را به گوشه‌نویسی برده و با مرکب دیگر با نشان ۷ افزوده بودند و جالب است، بیشتر این نشانه‌ها ۷ بوده که شاید به جهت ارزشمندی، مهم‌بودن و تقدس ویژه این شماره بوده است. رونویسی کار ایشان دشوار بود، چون گاهی در یک برگه از چند نشان ۷ بهره می‌برد، پس باید یک شخص آگاه به هنر اقدام به رونویسی می‌کرد. من یادم هست در اواخر دهه ۵۰ تا نیمه دهه ۶۰ در رونویسی چند قرنی از طبقات اعلام الشیعة با این شیوه کارشان در نوشتن آشنا شدم، کمتر واژه‌ای را نمی‌فهمیدم، با آن که خطی ریز، ولی زیبا داشتند و هر برگ نوشته ایشان نزدیک به شش تا هفت برگ وزیری می‌شد.

منابع ذریعه

منابع برپایه اهم و مهم بودن آن نزد آقابزرگ:

۱- کتاب‌خانه‌های شخصی و عمومی عراق از موصل تا بصره، بیشتر کتابخانه‌های شهرهای مهم سوریه، لبنان، مصر و حجاز بازدید کرد و در سفرهای سه‌گانه به ایران، شهرهای باختری، اصفهان و خراسان را ردیابی کرد و این شش جلد در سفرها همراهشان بود و با یافتن شناسه‌های تازه به تکمیل آن‌ها می‌پرداخت. اتراق آقابزرگ در هر شهر در هر کشوری، خانه کسی بود که کتابخانه بزرگتری داشت.

۲- افزون بر آن بزرگانی نیک‌خواه و دوست دار کار آقابرگ بودند که در سفرهایشان به عراق و یا سفرهای شیخ به نقاط یادشده با زیربغل گذاشتن کتاب‌ها به نزدش می‌آمدند تا او را در این گردآوری یاری رسانند.

یک روز کاری شیخ

سامرا

آقابرگ مانند هر روحانی ساکن عتبات مقدسه دارای دیدگاه و بینش مذهبی راستین بود، جز این که نسبت به روحانیان دیگر به جهت مشروطه‌خواهی و شاگردی میرزا حسین محدث نوری (د: ۱۳۲۰ق) و آخوند خراسانی، ملاک‌ظم (د: ۱۳۲۹ق) دیدگاه‌های دمکرات‌مآبانه داشت. از این رو، دایره حوزوی نجف برای ایشان تنگ شد، پس به سامرا مهاجرت کرد؛ البته به روایتی دیگر از بیماری همسر و فرزندشان نیز عامل بوده است تا در آرامش خیال به گردآوری این دو دائرةالمعارف بپردازند.

من از سامرای ایشان آگاهی بسیار اندکی دارم، ولی می‌دانم یکی از کارهای شیخ برخاستن از خواب یک ساعت پیش از اذان بامدادی بوده و رفتن به سوی حرم عسکریین برای گشودن باب القبلة است. ایشان کلیددار نبودند، چون مقام کلیدداری موروثی در خاندان عرب منطقه است، شیخ به عنوان امین و نایب کلیددار در حرم را در هر بامداد می‌گشود و شمع‌ها و گِردسوزها را می‌افروخت و به نماز شب و راز و نیاز و سپس ادای نماز جماعت بامدادی می‌پرداخت، پس از آن راهی خانه می‌شد و بخوردن صبحانه و آغاز کار بر ذریعه تا نزدیک نیمروز می‌پرداخت و یک ساعت پیش از اذان به خواب قیلوله می‌رفت و با ادای نماز ظهر و عصر و خوردن ناهار، راهی مدرسه آیت‌الله شیرازی شده به تدریس و ادامه کار بر ذریعه می‌پرداخت و پس از ادای نماز جماعت مغرب و عشا در صحن عسکریین و پس از مدتی در مدرسه شیرازی تا زمان بودن در سامرا به خانه بازمی‌گشت تا پاسی از شب نوشتن ادامه می‌یافت. این روند کاری روزانه ایشان در سامرا بود.

نجف

شیخ در سال ۱۳۵۰ ق از سامرا به نجف بازگشت و افزون بر گسترش کتاب ذریعه و طبقات در اندیشه چاپ آن برآمد. سامرا شهری از چند جهت مناسب چاپ نبود:

۱- آوازه بغداد، کاظمین و نجف را نداشت؛

۲- رکود حوزه علمی سامرا،

۳- درگیری‌های خونین مذهبی میان سنیان و شیعیان شهر که عموماً ایرانی بودند که با کشته شدن شیخ هادی تهرانی به اوج رسید، عواملی بودند که شیخ را ناگزیر به مهاجرت دوباره به نجف کرد.

شیخ گوید: در سال ۱۳۵۰ ق / ۱۳۱۰ خ در سفرم پس از ۳۵ سال به مام میهن در اندیشه زیارت امام رضا (ع)، دیدار بستگان و فراهم آوری راهی برای چاپ ذریعه به ایران بودم. جلسه‌ای تکریمی با بزرگان فرهنگ و ادب در منزل سید نصرالله تقوی برایم تشکیل شده بود که در آن عمویم حاج میرزا حبیب‌الله محسنی تهرانی که از بازرگانان و ثروتمندان نیکوکار است، نیز جزو مدعوین بود و چون حرمتی برای آقابزرگ می‌داشت نزد تقوی داشت اعلام کرد که من ۵۰۰۰ تومان برای هزینه چاپ ذریعه کنار خواهم گذاشت و به همین گونه عمل کرد و آقابزرگ با ۵۰۰۰ تومان به دست آمد، راهی سامرا شد. درگیری‌های خونین مذهبی و کاهش امنیت نوشتن و چاپ کردن و از سوی دیگر فشارهای حکومت پادشاهی سنی و عوامل دیگر یادشده همگی دست به دست هم داد، آقابزرگ را به مهاجرت سوم و بازگشت به نجف پس از ۲۵ سال کرد.

او با پولی که در دست داشت، تصمیم به تأسیس چاپخانه‌ای به نام مطبعة السعادة گرفت، بدین منظور جایی را در شارع الحسین، جبل اجاره کرد و تجهیزات و ادوات لازم چاپخانه را خریداری کرد و برای آغاز کار و من باب تیمن و تبرک آیت الکرسی را بر روی یک برگ به چاپ رساند تا به دنبال آن به چاپ ذریعه و آثار دیگر اقدام نماید، اما از یک سو تنگ‌نظری برخی چاپخانه‌داران نجف به جهت پیداشدن رقیبی تازه و غیر عرب ایشان را به دسیسه‌چینی و به تحریک کارگزاران دولتی واداشت و این سبب شد تا حکومت ضد شیعی و ضد ایرانی هم که در پی فرصتی به منظور ایجاد تنگنا برای ایرانیان و جامعه تشیع بود، به این بهانه که آقابزرگ، ایرانی است چاپخانه را تعطیل و مهر و موم کرد و آقابزرگ را با انواع و اقسام دردسرها مواجه ساخت.

آقابزرگ مدیریت چاپخانه را به یک نفر عراقی واگذار کرد، اما باز هم مشکل حل نشد و او ناگزیر تجهیزات و ادوات چاپخانه را فروخت و شیخ محمدعلی صحاف که مالک مطبعه الغری بود، آن‌ها را خرید و به مطبعه مزبور منتقل کرد و از پولی که پرداخت، در سال ۱۳۵۵ ق جلد اول الذریعه در همین چاپخانه به چاپ رسید که تصحیح و غطگیری آن را ادیب فرزانه شیخ محمدعلی اردوبادی یکی از دوستان آقابزرگ انجام داد. وی اجازه روایت از ایشان نیز دریافت کرد. دولت باز هم اقدامات کینه‌توزانه خود را دنبال کرد و مدت شش ماه از انتشار آن به بهانه پرسی بودن نام نویسنده [آقابزرگ] جلوگیری کرد که شیخ ناچار شد بر روی جلد و صفحه عنوان محمدمحسن نزیل سامراء را درشت و آقابزرگ را ریز در زیر آن بیاورد.

بزرگترین کار پژوهشی آقابزرگ در ۲۶ جلد که جلد نهم در چهار جزو است که مجموعه آن ۲۹ مجلد می‌شود. آقابزرگ از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۴ ق به گردآوری آن روی آورد و پس از آن به افزودن بر شناسه‌ها و چاپ تدریجی آن با کمک دو فرزندش زنده‌یاد علی‌نقی و احمد در میان سال‌های (۱۳۵۵ - ۱۳۹۷ ق / ۱۹۳۶ - ۱۹۷۷ م / ۱۳۱۵ - ۱۳۵۶ خ) در نجف و تهران با دشواری‌ها، سنگ‌اندازی‌ها، کم‌توجهی دولت‌مردان ایران و ستیزجویی دولتیان سنی عراق و ممنوع‌الورودی آن تا دهه ۷۰ میلادی به بسیاری از کشورهای عربی به پایان رسید.

پس از چاپ جلد اول و دو و سوم، جلد چهارم در ۱۳۲۰ خ در چاپخانه مجلس تا جلد ۲۵ در ۱۳۵۶ خ در کتابفروشی اسلامی در بوذرجمهری تهران انجام گرفت.

آقابزرگ برای انجام‌دادن این پژوهش‌ها و ثبت آن‌ها نیاز به یک زمانی بیش از ۲۴ ساعت در روز بود. او با تعلقات مذهبی و باورهای دینی راستین و استوار ناگزیر بود این مهم را به انجام برساند. همان گونه که بازگو شد تفکرات مشروطه‌خواهانه و افکار نواندیشانه او از یک سو و ناگزیریش به جهت پژوهش از دور از اجتماعی‌های پیرامونش و از نشست‌های آخوندی [گعده‌ها] در نجف، نمازهای جماعت و روضه‌های پیوسته برقرارشده در مراسم شهادت و زاده‌شدن چهارده معصوم از سوی روحانیان و بازاریان از سوی دیگر و شاگرد محدث نوری و ملاکاظم خراسانی بودنش همگی او را تا مرز تکفیر رسانده بودند و او ناچار بود برای ردّ این دیدگاه و ایجاد سایه امنی بر سر خودش و خانواده‌اش با ورودش به نجف:

۱- امام جماعت مسجد شیخ طوسی در کنار در شمالی و باب وادی السلام صحن، برای نماز ظهر و عصر شود؛

۲- امام جماعت مسجد شیخ طریحی در کوی براق نجف برای نماز مغرب و عشا گردد؛

دکتر محمد ابراهیم ذاکر

۳- امام جماعت برای نماز بامدادی در ایوان طلای بخش شرقی حرم

۳- اقدام به پیادروری هر عصر سه‌شنبه به سوی مسجد سهله در فاصله هشت کیلومتری خانه‌اش و ادای نماز مغرب و عشاء در کسوت امام جماعت بر روی بخش آجرفرش شده میانی صحن مسجد سهله روبروی مقام صاحب‌الزمان؛

۴- برپاداشتن روزه در صبح زود هر روز پنجشنبه و دادن صبحانه و اجرای وعظ و روزه به مدت پنج تا ده دقیقه که در اواخر دهه سی و آغاز چهل شیخ جعفر افغانی نامی مجری روزه‌خواندن به شمار می‌آمد و در صورت نیامدنش آقابزرگ در اندازه پنج دقیقه تنها وعظ می‌کرد؛

۵- میهمانی بیست تا سی نفری اطعام روحانیان در شب‌های جمعه چه ماه رمضان و چه ماه‌های دیگر سال، همراه با روزه‌خوانی و در پایان خوردن شام بود که بازهم گاهی در نبود روزه‌خوان او مجری روزه می‌گشت.

امام جماعتی مسجد شیخ طوسی پس از یک دهه و به علت تصادف با درشکه کنار گذاشته شد.

آقابزرگ تصادف دیگری با ماشین داشت که در پی آن امام جماعتی مسجد طریحی را به پدرم داماد ارشدش واگذار کرد و پیاده‌روی به مسجد سهله در شب‌های چهارشنبه و امام جماعتی نماز بامدادی ایوان طلا را کنار گذاشت، ولی اجرای نماز جماعت در مسجد سهله و برقراری روزه بامدادی پنجشنبه همراه با صبحانه و شب‌های جمعه همراه با شام را تا آغاز بیماری طولانی سه ماه پایان عمرشان دنبال کردند

برنامه کاری هر روزه

آقابزرگ همانند سامرا، یک ساعت پیش از اذان بامدادی از خواب برمیخاست و به حرم امام علی (ع) می‌رفت. نماز شب را می‌خواند و به راز و نیاز می‌پرداخت و پس از ادای نماز جماعت بامدادی به خانه باری‌گشت و پس از خوردن صبحانه به کار بر روی ذریعه و طبقات و دیگر مطالعات خودش در کتابخانه‌ای که وقف عام کرده بود تا یک ساعت پیش از ظهر می‌پرداخت.

کتابخانه یک‌سوم ملکی می‌شد که ۸۰٪ بخش شرقی خانه و بر خیابانی آن ملک را گرفته بود. او در این هنگام برای خواب قیلوله به خانه می‌آمد تا ظهر می‌خوابید، سپس برخاسته نماز ظهر و عصر می‌خواند و نهار می‌خورد و بی‌درنگ به کتابخانه می‌رفت و تا زمان نماز مغرب و عشاء می‌خواند و می‌نوشت و پس از ادای نماز تا پاسی از شب به کار ادامه می‌داد، سپس می‌خوابید و روز دیگر را به شیوه روز پیشین دنبال می‌کرد.

ذکر
دکتر محمد ابراهیم

تاریخ آداب اللغة العربية، جرجی زیدانی (۱۸۶۱ - ۱۹۱۴)، چهار جلد، دارالهلل، مصر، ۱۹۱۱.
 تأسیس الشيعة لفنون الاسلام (نگارش: ۱۳۲۸ ق) که خلاصه آن به نام الشيعة و فنون الاسلام، چ. ۱۳۳۱ ق. چاپ شد و سپس خود کتاب پس از مرگ مؤلف با تشویق صاحب الذریعة، به وسیله سید محمد پسر سید حسن صدر در سال ۱۳۷۰ ق.
 تأسیس الشيعة لفنون الاسلام، ابومحمد حسن صدرالدین موسوی عاملی کاظمی فرزند هادی فرزند محمدعلی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق) آن را در سال ۱۳۳۰ ق به پایان رسانید و پس از درگذشت نویسنده، نواده اش آن را در سال ۱۳۷۵ ق (۱۳۷۰ ق) با کمک شیخ آقابزرگ به چاپ رسانید. کوتاه شده آن را نیز با نام شیعه و فنون الاسلام در سال ۱۳۳۱ ق در شهر صیدا و با ۱۵۰ صفحه به چاپ رساند که دربرگیرنده بیوگرافی دانشمندان بنیان گذار فنون و دانش در میان شیعیان تا پایان سده هفتم هجرت است. صاحب الذریعه گوید: من پس از نومید شدن از چاپ کتاب تأسیس بخش‌هایی از آن را برای بهره‌وری خودم برگزیدم و برآن نام دَرّ النفیس فی تلخیص رجال التأسیس گذاشتم.

الذریعة إلى التصانیف الشيعة، آية الله شيخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸ خ در بیست و شش جلد و یا بیست و نه مجلد [جلد نهم (دیوان‌ها) چهار مجلد است و جلد بیست و ششم مستدرکات ذریعه به خط آقابزرگ است]. ۲۹ جلد در میان سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۳۶۴ خ / ۱۹۳۶ - ۱۹۸۶ م / ۱۳۵۵ - ۱۴۰۶ ق، به کوشش فرزندان صاحب الذریعه در نجف و تهران به چاپ رسید، جلد یکم تا سوم در نجف و زیر نظر نویسنده؛ جلد چهارم تا دوازدهم در تهران و به کوشش فرزندشان علی‌نقی منزوی؛ جلد سیزدهم و چهاردهم در نجف زیر نظر نگارنده، جلد پانزدهم تهران به کوشش علی‌نقی منزوی؛ جلد شانزدهم تا بیست و سوم به جهت تحت پیگرد ساواک (سازمان امنیت و اطلاعات کشور) قرارگرفتن علی‌نقی و گریز به بیروت، برادر کوچکشان احمد منزوی مسئولیت چاپ را به عهده گرفتند؛ جلد بیست و چهار و بیست و پنج به جهت رفتن استاد احمد منزوی برای کار فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی و فارسی شبه‌قاره، به اسلام‌آباد پاکستان، دوبار بر دوش علی‌نقی منزوی افتاد. جلد بیست و ششم مستدرک الذریعة در آستان قدس مشهد و به کوشش احمد اشکوری به چاپ رسید.

الشیعة و فنون الإسلام، حسن صدر الشیعة و فنون الإسلام، حسن صدر عاملی اصفهانی ((۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ق))، صیدا، ۱۳۳۱ق.

طبقات أعلام الشیعة با نام‌های ویژه هر سده در هفده مجلد، نوشته آية الله شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸خ) در بیروت، تهران و قم در میان سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۹۳ م / ۱۳۳۵ - ۱۳۷۲خ، به کوشش فرزندش علی نقی منزوی به چاپ رسید. چهار جلد از سده ۱۴ و دو جلد از سده ۱۳ در نجف و زیر نظر خود شیخ به چاپ رسید. پنج جلد سده چهارم تا هشتم در بیروت و چهار جلد نهم تا دوازدهم به کوشش علی نقی منزوی در تهران به چاپ رسید. جلد سوم طبقات أعلام الشیعة، کرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، را محمدحسین جلالی در دهه هشتاد خورشیدی به صورت فسمیله در شیکاگو به چاپ رساند. طبقات أعلام الشیعة، نقباء البشر في القرن الرابع عشر تجدید چاپ چهار جلد سده ۱۴ به همراه چاپ جلد پنجم حرف «ف» تا «ی» به کوشش محمد طباطبایی بهبهانی در انتشارات کتابخانه مجلس شورا در تهران به سال ۱۳۹۵خ به انجام رسید.

المراجعات الريحانية؛ یا النقود و الردود، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴ - ۱۳۷۳ق)، ۱۳۳۱ق.

ویژگی‌هایی از زندگی شخصی آقابزرگ تهرانی، نیای پرتلاشم، سخنرانی محمدابراهیم ذاکر به مناسبت نشست بزرگداشت ۵۲امین سالگرد درگذشت آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی، موسسه پژوهشی میراث مکتوب، وینار، یکشنبه یکم اسفندماه ۱۴۰۰.